

چهل حدیث در موضوع وحدت، اتحاد و همدلی

قال الله تعالى: «و لا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جائهم البينات و اولئك لهم عذاب عظیم؛ و بسان آنانکه پراکنده شدند و پس از آمدن دلیل های روشن الهی، اختلاف کردند، نباشید «زیرا» برای آنان عذابی بزرگ خواهد بود. (آل عمران / ۱۰۵).

حدیث ۱.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله): «المسلمون اخوة، لا فضل لاحدٍ علی احدٍ إلا بالتقوى؛ مسلمانان با هم برادرند، هیچکس بر دیگری برتری ندارد جز به تقوی (کنز العمال ج ۱ ص ۱۴۹).

اقرآن کریم مسلمانان را برادر هم خوانده و در صورت دلخوریهای در میان آنها، راه اصلاح را برای آنان راهنمایی می کند که راه تقوای الهی زمینه ساز رحمت خداوند است. می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات، ۱۰)؛ مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس میان دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!

این آیه به یکی از مهم ترین مسئولیت های اجتماعی مسلمانان اشاره کرده و مسلمانان را برادر یکدیگر معرفی می نماید و نزاع و درگیری میان آنان را درگیری میان برادران می نامد. از این رو به آنان دستور می دهد که در میان دو برادر خود، صلح و آشتی برقرار کنند. همان اندازه که برای ایجاد صلح در میان دو برادر نسیبی تلاش و کوشش می کنید باید در میان مؤمنان متخاصم نیز برای برقراری صلح به طور جدی و قاطع وارد عمل شوید. اخوت و برادری مسلمانان تنها در لفظ و شعار نیست، بلکه در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه خواهر و برادرند. (تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ش، ج ۲۲، ص ۱۷۲).

بنا براین، آنچه که پیامبر گرامی بیان فرموده است، بیان گر این حقیقت است که اخوت و برادری در اسلام امری بسیار مهم و قابل توجه است. زیرا؛ هیچ یکی بر دیگری برتری ندارد جز تقوای الهی. فلذا؛ کشتار و بی عدالتی،

و بی مروتی در برابر یکدیگر خلاف اصول اسلامی و دینی است. با این وصف، همه مسلمانان و مؤمنین باید در صفا و برادری و محبت در کنار هم دیگری زندگی مسالمت آمیز داشته باشد.

حدیث ۲.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «يَدُ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ؛ دست خدا بر سر جماعت است». (نهج الفصاحه، ح ۳۲۱۱).

امام علی (علیه السلام) نیز تأکید بر این دارد که با جامعه باشید و الا بدام گرفتاریها اسیر می شوید: «الزَّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّئْبِ؛ همراه جماعت و جامعه باشید. زیرا دست خدا با جماعت است و از تفرقه حذر کنید، زیرا کسانی که از جماعت کناری می گیرند طعمه شیطان اند مانند گوسفندی که از گله جدا می افتد طعمه گرگ می گردد. (نهج البلاغه، خ ۱۲۷).

با این بیان همیشه توده های مؤمن، در مسیر حق حرکت می کنند و اگر گروهی دچار اشتباه شوند، گروه دیگر آنها را آگاه می سازند و از خطر گمراهی نجات می دهند، ولی افراد تکرو و گروه های کوچک و منزوی از جامعه اسلامی، گرفتار انواع خطاها و انحرافات می گردند. و شیطان همیشه وسوسه های خود را در میان آنها تشدید می کند، و صید خوبی برای لشکر شیطانند همان گونه که وقتی گوسفندی از گله گوسفندان جدا و از زیر نظر چوپان خارج می شود، طعمه گرگها می گردد..

دست خدا با جماعت است. در این بیان تأکید بر همگامی و همراهی با سواد اعظم یعنی جمعیت عظیم مسلمین و پرهیز از هرگونه تک روی شده است و با صراحت می فرماید: «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ؛ دست خدا با جمعیت

است.» هر زمان مسلمانان متفق و متحد بوده اند دارای قدرت و عظمت و شوکت بوده اند و هر زمان که تفرقه و نفاق در میان آنها افتاد ذلیل و خوار و بی مقدار شدند.

حدیث ۳.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «الجماعةُ رحمةٌ و الفرقَةُ عذابٌ؛ جماعت (وحدت) مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است. (کنز العمال، ج ۷، ص ۵۵۸، ح ۲۰۲۴۲۹).

بدون تردید وحدت و همدلی از اصولی ترین آموزه های مرقی و بلند قرآن مجید است. قرآن کریم در آیات متعدد به مساله ی وحدت و عواملی که فراهم آوردنده ی اختلاف است، پرداخته و راه های رسیدن به وحدت را نشان داده است، و مسلمانان بلکه همه مردم را به گردآمدن بر محور حقیقت و ترک جدال و تفرقه دعوت می کند، و به همین نسبت از تفرقه و اختلاف نیز، نهی و آن را مطرود می شمارد.

زمانی که خداوند اصولی ترین دعوت پیامبران الهی را مطرح می سازد موضوع پرهیز از «تفرق» را پیامی هم سنگ با اصل برقراری دین می شمارد؛ به این آیه توجه کنیم: «شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» ؛ «برای شما از دین همانی را مقرر کرد که نوح را بدان سفارش کرده بود و نیز آنچه که به تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش کردیم که دین را بپا دارید و در آن پراکندگی و اختلاف نکنید. فلذا، وحدت و هم دلی خواسته همه انبیای الهی بوده و از تفرق و نفاق نفرت دارند. از این جهت است که وحدت رحمت و تفرقه عذاب است؛ چون تفرقه، ذلت، بحران ، جنگ و... را بدنبال دارد عذاب است.

حدیث ۴.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می فرماید: «لا تَخْتَلَفُوا ، فَإِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ إِخْتِلَفُوا فَهَلَكُوا؛ اختلاف نکنید ، پس همانا کسانی که قبل از شما اختلاف کردند هلاک شدند. (کنز العمال حدیث ۸۹۴).

از مهم ترین آثار و پیامدهای اختلاف و دوری از وحدت و همدلی، هلاکت و بر باد رفتن قدرت است که جامعه را زمین گیر کرده و ذلیل می کند. چنان که قرآن کریم فرموده است: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ؛ نزاع نکنید که زمین گیر شده و قدرت شما بر باد می رود.

باد، کنایه از قدرت و شوکت است، همچون بادی که پرچمها را به اهتزاز در می آورد و نشانه‌ی برپایی، کامروایی و عظمت است. اگر در سایه‌ی اختلاف و نزاع، این عظمت بر باد رود، خوار و حقیر می شوید. همان گونه که اگر باد لاستیک ماشین و یا توپ ورزشی خارج شود، بسیاری از حرکات، سفرها و ورزشها تعطیل می شود.

اتحاد و یکپارچگی و دوری از اختلاف و تفرقه، از دستورات اکید الهی است که در آیات متعدد به آن فرمان داده است و این فرمان باید در تمام زمینه‌ها رعایت شود، مخصوصاً در حال جنگ و درگیری با دشمن که ضرورت بیشتری دارد، چنانکه خداوند در سوره صف از اتحاد، نظم و هماهنگی مجاهدان تعریف نموده است. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَفًّا كَانَهُمْ بَنِيانٌ مَرصُوصٌ» (صف، آیه ۶)

حدیث ۵.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا خَلَعَ اللَّهُ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ؛ هر کس یک وجب از جامعه مسلمین دور شود خداوند رشته مسلمانی را از گردن او باز کند. (سنن ابی داود، ج ۵، ص ۴۲۶، ح ۶۷۵۸)

بنابر این بیان رسول اکرم (ص)، دوری از جامعه آثار و پامدهای ناگواری در جامعه دارد. که در کل، اختلاف دزدی بزرگی در جامعه است که مشکل ساز و منشأ بسیاری از مفاسد اجتماعی، بی عدالتی، قدرتطلبی و پامال شدن حقوق ضعیفا و از پا افتادگان و ... می گردد.

حدیث ۶.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: « مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ أَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى أَهْلِ حَقِّهَا؛ هیچ امتی پس از پیامبر خود گرفتار اختلاف نشد مگر آنکه باطل گرایان آن بر حق خواهانش پیروز گشتند. (کنز العمال ح ۹۲۹).

امام علی (علیه السلام) نیز در یک بیان زیبایی فرموده: «أَيُّمُ اللَّهِ، مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّةٌ قَطُّ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ أَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى أَهْلِ حَقِّهَا...». [شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۱۸۱/۵]. به خدا سوگند یاد می کنم که هیچ امتی پس از پیامبر خود دچار اختلاف نشد، جز آن که باطل گرایان آن امت بر حق خواهانش چیره گشتند.

آن حضرت در ادامه می فرماید : از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نکوهیده بر سر ملتهای پیش از شما آمد بپرهیزید، و احوال خوب و بدشان را به یاد آرید و خود را از همانند شدن به آنان باز دارید

پس اگر در احوال نیک و بد آنان اندیشه کردید همان کاری را عهده دار شوید که عزیزشان گرداند و دشمنانشان را از سرشان رانده و زمان عافیت آنان را به درازا کشاند و نعمت و فراوانی به سراغشان آمد و نیکوکاری و بزرگواری باعث پیوندشان گردید و آن، از تفرقه و پراکندگی اجتناب ورزیدن و به یکدیگر مهربانی کردن و همدیگر را به این کار تشویق نمودن است. و از کارهایی که پشت آنان را شکست و قدرت آنان را از بین برد، دوری کنید ؛ کارهایی چون توزی دلها و دشمنی سینه ها و بریدن از یکدیگر و دست شستن از یاری هم. و در احوال مؤمنان پیش از خود نیز بیندیشید *** و بنگرید که آنان چگونه بودند، آن گاه که جمعیتها فراهم بودند و خواسته ها یکی و دلها یکسان و دستها یار هم بودند و شمشیرها به کمک یکدیگر می آمدند و بینشها ژرف و اراده ها یکی بودند. آیا آنان مهتران سراسر زمین نبودند و بر گرده جهانیان، تسلط نداشتند؟ نیز به فرجام کار آنها بنگرید آن گاه که در میانشان جدایی افتاد و رشته الفت از هم گسست و سخنها و دلهایشان از هم جدا شدند و به حزب ها و دسته های گوناگون تقسیم گشتند . در این هنگام خداوند جامه کرامت را از تن آنان برون آورد و نعمتهای فراوانش را از ایشان گرفت و داستان سرگذشت آنها در میان شما ماند تا درس عبرتی برای عبرت آموزان باشد.(نهج البلاغه، خ ۱۹۲).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «المُسلم أخو المسلم، لا يَخُونُهُ و لا يَخْذُلُهُ و هُم يَدُّ عَلَى مَنْ سَوَاهُمْ؛ مسلمان برادر مسلمان است، به او خیانت نمی کند او را رها نمی سازد و مسلمانان بر غیر خود(دشمن) متحدند». (المعجم الاوسط، ج، ۶، ص ۳۰۵).

براساس بیان رسول گرامی، مسلمان برادر مسلمان دیگر است که به یکدیگر نه ظلم می کند و نه خیانت، چون همدلی و هم نوعی مایه وحدت است. وحدت عامل مهم حرکت بخش برای انقلاب ها بوده، و انسان ها را در گذر زمان، پیشرفت به سوی پیروزی ها کرده، از دست اندازها و گردنه های صعب العبور، عبور می دهد، به ناتوانی ها توان بخشیده، و دشواری ها را آسان می کند و ناممکن ها را ممکن می سازد.

و هم چنین، وحدت مسلمانان، توان آنان را در برابر دشمنان، صدها و هزارها برابر می کند، درست مانند سدهای بزرگی که در نقاط مختلف جهان ساخته شده و مبدا بزرگ ترین نیروهای صنعتی است، و سرزمین های وسیعی را زیر پوشش روشنایی و آبیاری قرار داده است، این قدرت عظیم چیزی جز نتیجه به هم پیوستن دانه های ناچیز باران نیست. بنابراین دانه های باران اتحاد و انسجام باعث ایجاد سدهای عظیم با آن همه توانایی ها شده است. وقتی که از دانه های باران در پرتو وحدت و به هم پیوستگی چنان آثار اعجازآمیز بروز کند، قطعاً اتحاد و انسجام مسلمانان آثار و برکات اعجاز آمیز بیش تری در پیشرفت اهداف عالی انسانی و جلوگیری از مقاصد غیر انسانی استعمار خواهد داشت و موجب سربلندی و عزت و اقتدار بی نظیر خواهد شد. زیرا همدلی و همدستی، همگان را در برابر دشمن مقاوم کرده که مایه عزت و سربلندی و پیروزی می گردد.

حفظ وحدت در صدر اسلام، موجب انسجام و فشرده‌گی مسلمانان شد، آن ها در پرتو همین همدلی و هماهنگی توانستند بر خیل دشمنان مختلف فائق آیند و به امتیازات فوق العاده دست یازند، چرا که قرآن به آن ها فرموده بود: «واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمة اخوانا» (آل عمران، ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هرگونه وسیله رحمت) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید.

حدیث ۸

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «إسمعوا و أطيعوا لمن ولاة الله الأمر، فإنه نظام الإسلام؛ از حاکمان الهی اطاعت کنید و گوش بفرمان باشید زیرا اطاعت از رهبری مایه «وحدت امت اسلام» است. (امالی مفید، ج ۱ ص ۱۴ مجلس ۲ ح ۲)

بر همین اساس امیرمؤمنان علی (ع) در سخنی مساله رهبری اسلامی را چنین ترسیم کرده و می فرماید: «و مکان القيم بالامر مکان النظام من الخرز یجمعه و یضمه، فان انقطع النظام تفرق الخرز و ذهب؛ (نهج البلاغه، ۱۴۶) موقعیت رهبر اسلامی؛ همانند نخ تسبیحی است که مهره ها را در نظام می کشد، و جمع کرده و ارتباط می بخشد، اگر آن نخ پاره شود، مهره ها پراکنده می شوند و هر کدام به جایی خواهد افتاد.

نقش دین اسلام و اطاعت از رهبری آن، در ایجاد وحدت و برادری، و نقش وحدت و برادری در پیشبرد اهداف به قدری برای دشمنان و استعمارگران، مهم و گران بود، که برای نفوذ خود به کشورهای اسلامی بیشترین سعی خود را برای ایجاد تفرقه نمودند، و با تز «تفرقه بینداز و حکومت کن» وارد میدان شدند، و در این راستا خسارت های جبران ناپذیری به اسلام و مسلمانان وارد ساختند، چرا که آن ها راز و رمز پیروزی های چشم گیر مسلمانان در ابعاد گوناگون را همان فشردگی و انضباط و به هم پیوستگی آن ها می دانستند. به گفته «جان دیون پورت» دانشمند معروف انگلیسی «... محمد یک نفر ساده، در پرتو اتحاد قبایل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه، کشور خودش را به یک جامعه فشرد و با انضباط تبدیل نمود، و در میان ملل روی زمین آن ها را با صفات و اخلاق تازه ای معرفی کرد، و در کمتر از سی سال، این طرز و روش، امپراطور قسطنطنیه را مغلوب کرد، و سلاطین ایران را از بین برد. سوریه و بین النهرین و مصر را تسخیر کرد، و دامنه

فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانه دریای خزر و تا رود سیحون گسترش داد . . . » (عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن (ترجمه سید غلامرضا سعیدی)، ص ۷۷). با این بیان و بر داشت یک غیر مسلمان از رهبری درست و اطاعت از آن، مایه وحدت و همدلی شده و با این همدستی فتوحات و افتخارات بزرگی را نصیب اسلام . مسلمانان کردند.

حدیث ۹.

پیوندهای اجتماعی

امام علی (علیه السلام) می فرماید: « ... و علیکم بالتواصل و التبادل و ایاکم و التدابر و التقاطع؛ بر شما باد به ارتباط و بذل و بخشش و دوری گزیدن از جدائی و پشت کردن به یکدیگر. (نهج البلاغه، نامه. ۴۷)

قرآن کریم، کتاب تدوین شده الهی، هم ادیان را صلاهی وحدت و اتحاد می زند و هم مسلمانان را فرمان صریح همبستگی و همدلی می دهد که همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و از تفرقه و جدایی و ناهماهنگی پرهیز کنید: « واعتصموا بحبل الله ولا تفرقوا... ».

علی علیه السلام با الهام از پیام قرآن می فرماید: «وَالْزُمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ ؛ و همواره با بزرگ ترین جمعیتهای [یی که بر حق هستند،] باشید که دست خدا با جماعت است و از پراکندگی پرهیزید که انسان تنها بهره شیطان است، آن گونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود.

در جای دیگر می فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ وَ يُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَ يُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ؛ همانا شیطان راههای خود را به شما آسان جلوه می دهد تا گره های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی، پراکندگی را به شما بدهد و در پراکندگی شما را دچار فتنه گرداند.

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام برای تحکیم اتحاد و همدلی در جامعه ارزش آن را در نهج البلاغه بیان کرده است. در یک جا می فرماید: «أَلَا وَ إِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ وَ تَلَمَّثْتُمْ حِصْنَ اللَّهِ الْمَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأَحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ ائْتَنَّ عَلَى جَمَاعَةِ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا وَ يَأْوُونَ إِلَى كَنْفِهَا بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيمَةً لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ وَ أَجَلٌ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ؛ آگاه باشید که شما دست از رشته اطاعت کشیدید و با احکام جاهلیت، دژ محکم الهی را که بر شما قرار داده شده بود، در هم شکستید؛ در حالی که خدای منزّه بر جماعت این امت منت گذارده بود در آنچه بین آنها منعقد کرده، از ریسمان این الفت که در سایه آن زندگی کنند و در پناه آن به نعمتی برسند که هیچ یک از مخلوقین نتوانند ارزش آن را بشناسند؛ زیرا که آن از هر بهایی گران قدرتر و از هر کرامتی والاتر بود.

این جملات، گویا امروز و برای جامعه ما نازل شده است. بنابر این:

بیا تا شمع هم پروانه هم یار هم باشیم در این گلشن بهار هم، گل هم، خار هم باشیم

چو یاران نبی در «صَفَه» توحید بنشینیم صفای هم، گل هم، باغ هم، گلزار هم باشیم

بنا بر این، بر کسی پوشیده نیست که از مهم ترین آثار وحدت در جامعه، عزّت و سربلندی آن جامعه است، تاریخ به اثبات رسانده که هر قوم و ملّتی که وحدت و همدلی داشته، دارای عزّت و سربلندی بوده است.

علی علیه السلام نیز بر این اثر اتحاد سخت پای فشرده است. در آنجا که می فرماید: «وَ الْعَرَبُ الْيَوْمَ وَ إِنْ كَانُوا قَلِيلًا فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالْإِسْلَامِ عَزِيزُونَ بِالْاجْتِمَاعِ؛ عرب امروز گر چه از نظر تعداد اندک اند اما با نعمت اسلام فراوان اند و با اتحاد [و همدلی] عزیز [و قدرتمند] هستند.».

حدیث ۱۰.

انس و الفت

امام محمد باقر (علیه السلام) می فرماید: «... یا معشر المؤمنین تألفوا و تعاطفوا؛ هان ای گروه مؤمنان، باهم اُلفت داشته، متحد و به هم مهربانی باشید». (الکافی، جلد ۲، ص. ۳۴۵).

انسان را به یک لحاظ زائیده و نشاءت گرفته از انس دانسته است، و از نظر اخلاقی و اجتماعی هم، افرادی که دارای خصلت انس و الفت هستند و جاذبه و گیرایی اجتماعی دارند، مورد ستایش و درخور تقدیر می باشند.

در فرهنگ اسلامی و دینی، از ویژگیها و نعمتهای بسیار بزرگی که به جای کینه ها، کدورتها، عداوتها، اختلافها و جدائیهای خانمانسوز زمان جاهلیت به امت اسلامی عطا شده و پیوسته قرآن مجید یادآوری می کند، که مسلمانان هرگز این نعمت را فراموش نکنند و بلکه در میان خود آنرا بکار گیرند و حفظ کنند، نعمت الفت و اخوت است.

قرآن کریم در این باره می فرماید: «و اذکروا اذا کتتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمه اخوانا؛ به یاد آورید که آن روزگار همه شما دشمنان همدیگر بودید، اما خداوند مهربان بین دلهای شما الفت و پیوستگی برقرار نمود و به برکت نعمت اسلامی، شما برادر یکدیگر شدید.

امام علی علیه السلام ضمن اینکه از الفت و مودت تجلیل به عمل آورد، محور و ملاک انس و الفت را که جدای از انگیزه های گناه آلود و تباه کننده بوده و بر اساس هدف مقدس اطاعت الهی صورت می گیرد، بدین شرح بیان می کند: «طوبی لمن یالف الناس و یالفونه علی طاعة الله؛ خوشا به حال کسی که چنین روحیه ای

دارد، که با مردم الفت و پیوند برقرار می کند و دیگران نیز بر اساس پاکی و دوستی و اطاعت خداوند، با وی الفت و معاشرت برقرار می سازند.

امام رضا علیه السلام نیز درباره فائده انس و الفت ، برای خانواده و فرد و اجتماع می فرماید: «الانس یذهب بالمهانه؛ انس و الفت با دیگران ، سستی ها و کمبودها و نواقص اجتماعی را برطرف می گرداند.

بنابراین انس و الفت پیوستگی پرجاذبه ، از خصلت های لازم اخلاقی و اجتماعی است ، دلها را به هم نزدیک و مهربان و همدل می کند و معیار و ملاک آن هم باید عواطف انسانی و ارزشهای معنوی باشد و خاصیت چنین روابطی هم در کانون خانواده ها و سطح جامعه ، زدودن کجی ها و کاستی ها و نواقص اخلاقی و فرهنگی و بالاخره دریافت منافع مادی و معنوی خواهد بود(احمد، صادقی اردستانی ، اخلاق خانواده ، ص ۲۶۹).

حدیث ۱۱.

ایجاد وحدت

امام علی (علیه السلام) می فرماید: « صلاح ذات البین أفضل من عامه الصلاه و الصیام؛ اصلاح اختلافها، از تمامی نمازها و روزه ها برتر است». (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

قرآن کریم اخوت و برادری در بین مومنان و مسلمانان را مورد تاکید قرار داده است، گفته است که اصلاح ذات البین و تلاش در راستای ایجاد صلح و سازش که از اهداف میثاق نامه عدالت و امنیت پایدار؛ ضمن آنکه یک وظیفه است، پاداش خداوندی بسیار بالایی به دنبال خواهد داشت.

جامعه متشکل از افراد بسیاری است که افکار و آراء متفاوت و نیز روش های گوناگونی به سبب تفاوت و اختلاف روحیات و اخلاقیات و مانند آن دارند، با آن که در کلیات با هم مشترک هستند و یک هدف اصلی را به عنوان آسایش و آرامش در نظر دارند. همین تفاوت ها در حوزه های فکری و منشی و رفتاری موجب می شود تا هر از گاهی در عمل اجتماعی و روابط بین مردمان تنش هایی ایجاد شود. شناخت عوامل تنش زا می تواند برای تنش زدایی کمک کند، ولی به سبب وجود همان تفاوت ها نمی توان امید داشت که جامعه هرگز گرفتار تنش و اختلاف نشود. از این روست که یک وظیفه اصلی مومنان ایجاد اصلاح و آشتی میان کسانی است که قهر کرده و روابط سالم را قطع کرده اند.

از آن جایی که تنش و اختلاف در جامعه هر چند که در دایره محدود و در امور خرد و پیش پا افتاده باشد، ولی به سبب آن که می تواند انسجام و همگرایی اجتماعی را مخدوش سازد و فرصت تعاون و همکاری اجتماعی را در امور خیر و نیک و تقوای الهی کاهش دهد، اسلام به شدت به مقابله با آن پرداخته و خواهان اصلاح ذات البین و آشتی میان افراد می شود. از این رو خداوند پادشاهای را برای اصلاحگران قرار داده که موجب تشویق در جهت اصلاح ذات البین و جامعه گردد. چنان که هنر مردان بزرگ اصلاح جامعه بوده است. امام صادق (ع) می فرماید: «

به خدا قسم که: به لقمان تنها حکمت و دانش عطا نشده بود، و نیز دارائی و خانواده و قدرت جسمی و زیبایی چشمگیر نداشت ولی او مردی با اراده بود. و او به دو نفر که با هم نزاع می کردند و یا می جنگیدند نمی گذشت مگر اینکه: میانشان صلح برقرار می کرد و از پیش آنان نمی رفت تا آنکه آنها دست از نزاع و جنگ کشیده و متفرق می شدند. (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۴۲، ح ۳).

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: « صدقه یحبها الله اصلاح بین الناس إذا تفاسدوا و تقارب بینهم إذا تباعدوا؛ ایجاد وحدت هنگام پیدایش اختلاف، و تباهی امت و نزدیک کردن آنها در هنگام جدائی، صدقه ایست که خداوند آن را دوست دارد. (الکافی، جلد ۲، ص. ۲۰۹).

آیین مقدس اسلام برای هدایت انسان به مسیر رشد و کمال، برنامه ای کامل تدوین نموده و به همه نیازها و ابعاد انسان توجهی ویژه دارد و راه رسیدن به کمال را در زندگی اجتماعی می داند. یکی از نیازهای جامعه اسلامی، مسأله وحدت و یکپارچگی است که در زندگی جمعی مسلمانان نقشی بسیار مهم و سرنوست ساز ایفا می کند. اقامه دین الهی و احکام نورانی آن، که ضامن نظم اجتماعی و امنیت و عدالت و همبستگی است؛ درگرو از بین بردن اختلافات و نزاع در دین است؛ چراکه با وجود پدیده شوم اختلاف، مصالح امت اسلامی به خطر خواهد افتاد و باعث سستی و شکست خواهد شد. اهل بیت (علیهم السلام) همواره از بنیانگذاران وحدت و از منادیان آن بوده و در سیره خود بر این امر مهم تأکید داشته اند. از این رو است که امام صادق (ع) تلاش در راه ایجاد وحدت را صدقه دانسته که مورد رضای خداوند است.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «... و إلههم واحد و نبیهم واحد و کتابهم واحد أفأمرهم الله سبحانه بالاختلاف فأطاعوه أم نهأهم عنه فعصوه؟ خدا یکی، پیامبر یکی، و کتاب یکی است. آیا آنها را خداوند به اختلاف و دو دستگی فرمان داده و او را اطاعت می کنند؟ یا آنها را از اختلاف نهی کرده و فرمانش را سرپیچی می کنند؟ (نهج البلاغه، خطبه ۱۸).

کلام امام (علیه السلام) اشاره به این دارد که تمام مسلمانها دارای خدای واحد و پیامبر واحد و کتاب واحد است، پس اختلاف چرا وجود داشته باشد. در حال که نه خداوند سبحان و نه پیامبر رحمت و نه کتاب الهی کسی را به اختلاف دعوت نکرده است. در این میان، کتاب الهی که قانون مدون در میان جامعه مسلمانان وجود دارد، کتابی است که هیچ گونه تغییر و تحریفی در آن راه نیافته و از سرچشمه زلال وحی نشأت گرفته و در دسترس همه آنهاست و مورد قبول همه، و هیچ اختلاف و تضادی در محتوای آن وجود ندارد؛ چرا که از سوی خداست. «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ اگر از سوی غیر خدا بود اختلاف و تضاد زیادی در آن دیده می شد». (نساء، ۸۵). پس اختلاف که از ناحیه کتاب آسمانی آنها نیست، معلوم است که اختلافات از افکار نادرست خودشان برخاسته و نارساییهای اندیشه هایشان سبب بروز چنین اختلافاتی شده است.

هم چنین امام علی (ع) در مورد دیگر فرموده است: در حقیقت مؤمنان باهم برادرند: «إِنَّ الْمُسْلِمَ أَخُو الْمُسْلِمِ فَلَا تَنَابَرُوا وَلَا تَخَافُوا فَإِنَّ شَرَائِعَ الدِّينِ وَاحِدَةٌ وَ سُبُلُهُ قَاصِدَةٌ مَنْ أَخَذَ بِهَا لَحِقَ وَمَنْ تَرَكَهَا مَرَقَ وَمَنْ فَارَقَهَا مُجِيعٌ»؛ (امالی صدوق، ۲۳۴) «همانا هر مسلمانی با مسلمان دیگر برادر است. پس القاب زشت بر هم ننهد و دست از یاری هم نشوید که همانا شرایع و قوانین دین یکی و راههای آن هموار و مستقیم است، هر که قدم در آن نهد، به مقصد رسد و غنیمت برد و هر که بدان راه نرود، گمراه شود و پشیمانی برد». همچنین فرموده است: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ، فَلَا يَغْشُهُ وَلَا يَعْيِيهِ، وَلَا يَدْعُ نُصْرَتَهُ»؛ (معالم الحکم، ص ۲۳) «مؤمن برادر مؤمن است، فریبش نمی دهد و از او عیب جویی نمی کند و دست نصرتش را از او باز نمی دارد».

بنا براین، اسلام و مسلمانی همیشه دشمنانی داشته و دارد که نسبت به آنها بغض شدید دارند و نمی خواهند و نمی توانند عزت و سیادت آنها را مشاهده کنند، از هر فرصتی و به هر طریق ممکن، تلاش می کنند به

مسلمانان ضربه زده و آنها را از جایگاه شایسته خود به زیر کشند و بر آنها مسلط شوند و منافع آنها را به یغما برند. مشاهده موارد متعدد دشمن ورزی دشمنان در ادوار مختلف تاریخ جامعه اسلامی، خود گویای این دشمنیها و تداوم آنها است.

حدیث ۱۴.

إمام علی (علیه السلام) می فرماید: « و مکان القیم بالامر مکان النظام من الخرز یجمعه و یضمه فإذا انقطع النظام تفرق الخرز و ذهب ثم لم یجتمع بحذافیره أبدا؛ جایگاه رهبر و سرپرست در اجتماع، جایگاه رشته ای است که دانه ها را بهم پیوند داده و جمع می کند، و آنگاه که آن رشته بگسلد، دانه ها پراکنده گشته و هرگز تمام آنها جمع نخواهند شد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶).

آنچه از فراز بالا استفاده می شود درسهای مهمی در زمینه مدیریت و فرماندهی و کشورداری است، اولاً نشان می دهد که حفظ رهبر و زمامدار یک قوم و ملت، نه به عنوان یک مسأله شخصی، بلکه به عنوان یک مسأله اجتماعی از اهمّ واجبات است؛ چرا که رمز وحدت و انسجام و پایداری آنهاست، به همین دلیل باید تمام تدابیر لازم برای حفظ او در نظر گرفته شود و حتی احتمال خطر را نباید از نظر دور داشت، به خصوص این که دشمن نیز با اطلاع بر این موضوع سعی دارد قبل از هر چیز شخص رهبر و زمامدار را هدف قرار دهد.

تجربه تاریخی نیز نشان داده است که نزدیکترین راه برای شکست یک جمعیت، درهم کوبیدن رهبر و تشکیلات رهبری است. در قرآن مجید در داستان «بنی اسرائیل» و مبارزه آنها با «جالوت» نیز می بینیم «داوود» شخص «جالوت» را نشانه گیری کرد و او را از پای درآورد، و به دنبال آن لشکرش متلاشی شد.

ثانیاً: رهبران جامعه باید با یک چشم دشمنان خارجی را بنگرند و با چشم دیگر مراقب دشمنان داخلی باشند، حتی مطابق این خطبه و تجارب فراوان تاریخی، خطر دشمنان داخلی بیش از خارجی است؛ چرا که آنها که از بیرون می آیند شناخته شده اند، و دشمنان داخلی غالباً به صورت منافقانی خود را در لابه لای جمعیت مستور می دارند، و هر زمان فرصت پیدا کنند ضربه می زنند، به علاوه از تمام نقاط آسیب پذیر داخل آگاه و با خبرند، و راه نفوذ به مناطق حسّاس را می دانند، به همین دلیل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) از آنها و آسیبهای احتمالی آنها تعبیر به «عورات» می فرماید، و خطر آنها را مهمتر می شمرد..

بنا براین، کسی که سرپرستی نظامی را عهده دار است، درست همانند رشته ای است که مهره ها را نظام می بخشد و تا رشته بگسلد، تمامی مهره ها پراکنده شوند و چه بسا که دیگر هرگز فراهم نیایند.

منظور از هماهنگی، وحدت بخشیدن به عملیات گروهی است. در هر سازمان وظایف متعددی مطرح است، ولی در نهایت همه ی این فعالیت ها و وظایف باید به یک سو ختم شود. وظیفه هماهنگی این است که پل ها و رابطه های این ارتباط را مشخص کند تا از پراکندگی و گسیختگی کارها جلوگیری به عمل آید. (خورشید بی غروب نهج البلاغه، ص ۱۴۶)

حدیث ۱۵.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «إن هؤلاء قد تمالؤوا علی سخطه إمارتی و سأصبر ما لم أخف علی جماعتکم فإنهم إن تمموا علی فیالہ هذا الرأي إنقطع نظام المسلمین؛ سینه اینان (خوارج) از دشمنی با حکومت من انباشته است و تا آن هنگام که بیم از هم پاشیدن جماعت (امت) نباشد، صبر می‌کنم، برآستی اگر اینان بر این اندیشه سست ادامه دهند، نظام مسلمانان از هم خواهد گسست». (نهج البلاغه، خطبه. ۱۶۹).

آن حضرت در ادامه سخن می افزاید: اگر آن‌ها به این افکار سست و فاسد باقی بمانند (و بخواهند اهداف شوم خود را عملی کنند)، نظام جامعه اسلامی از هم گسیخته خواهد شد و در چنین شرایطی صبر نمی‌کنم و باید به فتنه‌انگیزی آن‌ها پایان داد.

روی این بیان، حفظ وحدت و حفظ نظام دینی اسلامی آنقدر مهم است که امام ع در برابر تمام آزار و اذیت و خرابی کار مخالفان شان تحمل کرده و صبر می‌کند؛ اما زمانکه پای تخریب دین و اسلام در اثر اختلاف و بحرانیهای اجتماعی در میان بیاد، آنگاه است که آنحضرت می فرماید که دیگر صبر و تحمل نخواهد بود و جلوی آنها را خواهم گرفت.

حدیث ۱۶.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: « المؤمنون إخوة تتكافؤ دماؤهم و هم ید علی من سواهم؛ مؤمنان با هم برادرند و خونشان برابر است و در برابر دشمن متحد و یکپارچه اند». (کافی، جلد ۱، ص ۴۰۴).

این کلام پیامبر (ص) اشاره به آیه کریمه دارد که مؤمنین را برادر خطاب کرده است. « انما المؤمنون اخوه ... » از این آیه کریمه استفاده می شود که قرآن کریم و هم پیامبر گرامی، جامعه ی اسلامی را به عنوان یک خانواده و مؤمنان را «برادر» یک دیگر خوانده است؛ یعنی مفهوم برادری در اسلام گسترش یافته و شامل برادر خونی و برادر ایمانی می شود و این یک اصل اساسی اسلام است که براساس آن همه ی مسلمانان از هر نژاد و کشور و در هر جای جهان برادر یک دیگر شمرده می شوند.

و همچنین اشاره دارد که همان گونه که برای ایجاد صلح در میان برادران نسبی تلاش می کنید، برای ایجاد صلح و آشتی بین مؤمنان نیز بکوشید؛ تا مبادا برادر، خون برادر دیگر را بریزد؛ زیرا دو برادر مثل همند.

از سوی دیگر، تعبیر به دو برادر برای آن است که کم ترین اختلافات اگر در اجتماع بین دو برادر واقع می شود و هرگاه اختلافی هم بین آنها رخ دهد نوعاً زودگذر و ظاهری است و به کینه تبدیل نمی شود؛ پس مؤمنان نیز این گونه باشند یعنی کار را به قتل کشتار نینجامد.

گرچند در آیه کلمه «انما» دارد که به معنای «فقط» است؛ یعنی رابطه ی مؤمنان، فقط رابطه ی برادری است نه رابطه ای دیگر، آنان رابطه ی خصمانه و غیربرادرانه ندارند. از ظاهر کلام رسول گرامی نیز فقط برادر استفاده می شود که دوتا برادر، در عین این که در همه حقوق برابرند، خون شان نیز برابرند. فلذا، جامعه اسلامی و مسلمانان باهم برادر و برابر، و به برکت این برادری در برابر دشمن ید و احده باشند.

در تاریخ اسلام آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ورود به مدینه مسلمانان را دو به دو برادر یک دیگر خواند و خود با علی علیه السلام عقد برادری بست. این آموزه ای برای همه ی ماست. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که مسلمان برادر مسلمان است، و به او ستم نمی کند و او را خوار نمی سازد و او را در برابر حوادث تنها نمی گذارد. (کافی، ج ۲، ص ۱۶۶).

حدیث ۱۷.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: « أَلْفَ بَيْنَكُمْ بِالْإِسْلَامِ فَكَثُرْتُمْ وَاجْتَمَعْتُمْ وَتَحَابَبْتُمْ؛ خداوند بین شما (مسلمانان) به برکت اسلام ایجاد انس و الفتی کرد که ره آورد آن فراوانی جمعیت و وحدت جمعی و مهرورزی با یکدیگر بود. (بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۳۶).

قرآن کریم در زمینه الفت قلوب در میان انسانها می فرماید: « وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ » (انفال ، ۶۳)؛ و (خداوند) میان دل‌های آنان (مؤمنان) الفت داد، اگر تو همه‌ی آنچه را در زمین است خرج می‌کردی، نمی‌توانستی میان قلوبشان محبت و الفت پدید آوری، ولی خداوند میان آنان پیوند داد، چرا که او شکست‌ناپذیر و حکیم است. شاعر زیبا سخن در مورد وحدت و همدلی و با جماعت چنین زیبا سروده است:

جوهر او را کمال از ملت است

فرد را ربط جماعت رحمت است

رونق هنگامه احرار باش

تا توانی با جماعت یار باش *

هست شیطان از جماعت دورتر

حرز جان کن گفته خیر البشر

سلک و گوهر کهکشان و اخترند

فرد و قوم آینه یک دیگرند

ملت از افراد می یابد نظام (اقبال لاهوری)

فرد می گیرد ز ملت احترام

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) : « الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبَنِيَانِ الْمَرْصُوصِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا »؛ مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنای استواری است که اجزای آن، یکدیگر را استحکام می بخشند». (صحیح مسلم، جلد ۴، ص ۱۹۹).

قرآن کریم در آیه (۴) سوره «صف»، می فرماید: « إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ »؛ خداوند کسانی را دوست می دارد، که در راه او پیکار می کنند، و همچون بنیان مرصوص هستند». تعبیر «بنیان مرصوص» اشاره به استقامت، اتحاد و همدلی مؤمنان دارد. این اصطلاح از آنجا نشأت می گیرد که، در گذشته گاهی برای محکم شدن بنا، سرب را آب کرده، و در لابلای مصالح آن می ریختند تا تمام فاصله ها را پر کند و سازه ای یکپارچه و به هم پیوسته تشکیل دهد. این کار سبب شد تا به هر بنای محکمی مرصوص بگویند که اشاره به استحکام و یکپارچگی آن دارد.

در این آیه سخن از وحدت صفوف مسلمین است. این آیه می فرماید: خداوند کسانی را دوست می دارد، که در راه او پیکار می کنند، همچون سدی فولادین و بنایی محکم و یکپارچه. بنیان به معنی هرگونه بنا است، و مرصوص از ماده رصاص به معنی سرب است، که آن را آب کرده، و در لابلای قطعات سنگ و مانند آن می ریختند تا تمام فاصله ها را پر کند و مصالح بنا را به هم پیوند دهد، لذا به هر بنای محکمی مرصوص می گفتند که اشاره به استحکام و یکپارچگی آن بود. گرچند که آیه درباره پیکار نظامی و جهاد فی سبیل الله است، ولی روشن است که این معنی در سایر مجاهدت های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، جاری است. زیرا در این عرصه ها یکپارچگی، اتحاد و انسجام دل ها لازم است. (اخلاق در قرآن، مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۴۴۹). بنا براین، کلام پیامبر اکرم (ص) نیز اشاره به همدلی دارد که موجب استحکام پایه های اجتماعی شده و بنیاد اسلام و اجتماع را در برابر دشمن محکم می کند.

امام علی (علیه السلام): «... فانظروا کیف کانوا حیث کانت الاملاء مجتمعۃ و الالهواء مؤتلفۃ و القلوب معتدلۃ و الایدی مترادفۃ، و السیوف متناصرۃ و البصائر نافذۃ و العزائم واحده ألم یكونوا أربابا فی أقطار الأرضین و ملوکا علی رقاب العالمین...؟ پس بنگرید، چگونه بودند «قوم بنی اسرائیل» زمانی که جمعیتها گرد آمده، و اندیشه ها با هم و دلها یکسان و دستها یاور هم و شمشیرها کمک یکدیگر و بینش ها ژرف و تصمیمات یکی بود، آیا در اطراف زمین «شهرها»، بزرگ و بر همه جهانیان حاکم نبودند؟ حال بنگرید که پایان کارشان به کجا کشید. در آن هنگام که در میان آنها جدایی افتاد؛ الفتشان به پراکندگی و اهداف و دلهایشان از هم دور شد و به گروه های مختلفی تقسیم شدند و در پراکندگی به نبرد با هم پرداختند (در این هنگام بود که) خدا لباس کرامت خود را از نشان بیرون کرد و وسعت و شادابی نعمت را از آنها گرفت، تنها چیزی که از آنها باقی ماند که سرگذشت شان در میان شما بود که درس عبرتی است برای عبرت گیرندگان. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

امام (علیه السلام) پس از سخنان پرمعنایی که درباره اقوام پیشین و سرنوشت عبرت انگیز آنها بیان فرمود، در این بخش از خطبه به نتیجه گیری پرداخته و روی عامل اصلی پیروزی و شکست که همان اتحاد صفوف و اختلاف است، انگشت می نهد و با تعبیرات گوناگونی منعکس می کند و می فرماید: «بنگرید (اقوام پیشین) در آن هنگام که جمعیت های شان متحد، خواسته ها هماهنگ، اندیشه ها معتدل، دستها پشتیبان هم، شمشیرها یاری کننده یکدیگر، دیده ها نافذ و تصمیمها یکی بود، چگونه بودند؟ آیا (در آن روز) آنها زمامدار اقطار زمین نبودند و بر مردم جهان حکومت نمی کردند؟»

در این عبارات زیبا و پرمعنا اتحاد و اتفاق را در همه مظاهرش بیان کرده، آن را عامل سربلندی و حاکمیت و قدرت عظیم شمرده است؛ اتفاق در خواسته ها، اتفاق در برنامه ها و تصمیم ها، اتفاق در عمل، اتفاق به هنگام صلح و جنگ و در یک کلمه، اتحاد صفوف در جمیع مظاهر حیات. مایه عزت و کرامت است.

دلیل این سخن کاملا روشن است؛ افراد هر کدام به تنهایی قدرت زیادی ندارند و همچون قطره ای هستند که اگر در بیابانی قرار گیرند با یک تابش آفتاب و وزش باد بخار می شوند؛ ولی همین قطرها هنگامی که به هم پیوستند دریای خروشان را تشکیل می دهند که می تواند منبع هر گونه خیر و برکت باشد. تار عنکبوت به

تنهایی به قدری ضعیف و کم دوام است که در برابر یک نسیم مقاومت نمی کند؛ اما امروز آنها را به هم می تابند و جلیقه های ضد گلوله درست می کنند که مقاومتش از هر چیز بیشتر است و این است نقش اتحاد و اتفاق.

صد هزاران خیط یکتا را نباشد قوتی *** چون به هم برتافتی اسفندیارش نگسلد!

حدیث ۲۰.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «و سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ». اگر نادان سکوت کند ، مردم اختلاف نمی کنند. (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۸۱).

به حقیقت ، اگر نادان در آن جا که تخصصی ندارد ، از اظهار نظر خودداری ورزد ، اختلافات فکری و عقیدتی ، برچیده می شود و اندیشه ها به نقطه مشترک می رسند.

اگر نادان در حوزه مختلف اجتماعی، سکوت کند و از اظهار نظرهای بی مورد مذهبی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و ... بپرهیزد ، اختلافات از جامعه بشری ریشه کن می گردد.

در دوران معاصر و در طول تاریخ ، شاهد ده ها مکتب و صدها عقیده و هزاران فکر متفاوت و بلکه متضاد هستیم و شاهدیم که هر کس گروهی را اطراف خود جمع کرده است و خود را صاحب نظر و رئیس سازمان و گروه می پندارد و دیدگاه خود را بر آنان فرض می کند . اگر از ریشه این اختلافات به طور اساسی جستجو

کنیم ، به ریشه هایی می رسیم که امام علی علیه السلام بدان اشاره فرمود : اظهار نظر نادانان و غیر متخصصان و تحمیل دیدگاه های پوشالی خویش بر حقیقت و واقعیت است.

اگر صاحبان اندیشه مصمم شوند که رأیی را تا قطعی نشده ، ابراز نکنند و فرضیه های اثبات نشده را به عنوان دیدگاه های علمی عرضه ندارند ، اختلاف به صورت ریشه ای از جامعه بشری برگنده می شود و اندیشه ها در زمینه حقایق هستی ، به نقطه های مشترک می رسند ؛ چرا که حق ، یکی بیش نیست.

حدیث ۲۱.

اختلاف و دوری از وحدت، آفت اندیشه

إمام علی (علیه السلام) می فرماید: « أَلْخِلَافُ يَهْدِمُ الرَّأْيَ؛ اختلاف، بنیاد «اندیشه درست» را درهم می ریزد». (نهج البلاغه حکمت. ۲۱۵).

مام(علیه السلام) در این کلام نورانی و کوتاه و پرمعنا به یکی از عواقب سوء اختلاف و دوری از وحدت اشاره می کند و می فرماید: «اختلاف، تصمیم گیری و تدبیر را نابود می کند».

همه می دانیم اختلاف سرچشمه همه بدبختی هاست. هیچ قوم و ملتی نابود نشدند مگر بر اثر اختلاف و هیچ جمعیتی پیروز و کامیاب نگشتند مگر در سایه اتفاق و وحدت. کلام حکیمانه بالا دو تفسیر می تواند داشته باشد: نخست این که گاه می شود عده ای می نشینند و بر سر موضوع مهمی تصمیم گیری می کنند؛ ولی ناگهان فرد یا افرادی نظر مخالفی ابراز می کنند و تصمیم گیری پیش گفته را به هم می زنند و کار اتر می ماند. همان گونه که در داستان جنگ صفین، علی(علیه السلام) و جمعی از دوستان خبیر و آگاه اصرار داشتند که

جنگ به مراحل نهایی رسیده و آن را تا پیروزی ادامه دهند و غائله را ختم کنند؛ ولی مخالفت افرادی ناآگاه و جاهل و بی خبر این تصمیم را بر هم زد و مسلمانان با عواقب بسیار دردناک آن روبرو شدند.

تفسیر دیگر این که اختلاف سبب می شود که رأی گیری هیچ گاه به جایی نرسد و تدبیرها عقیم بماند. جمع میان این دو تفسیر نیز مانعی ندارد که اختلاف هم مانع از تصمیم و تدبیر باشد و هم اگر تدبیر و تصمیم صحیحی منعقد شد، آن را بر هم بزنند.

روشن است برای انجام هر کار مهمی احتیاج به فکر و اندیشه و تدبیر و تصمیم گیری صحیح است و این کار تنها در فضایی ممکن است که اختلاف در آن نباشد، بلکه تمام کسانی که در آن تصمیم گیری شرکت دارند هدفشان رسیدن به نقطه واحد و حتی الامکان دور از هر گونه خطا و اشتباه باشد. اما گاه یک نغمه مخالف که یا بدون مطالعه اظهار شده و یا از غرض و مرضی ناشی گشته می تواند تمام تصمیم ها و تدبیرها را به هم بریزد. گاهی نیز رئیس جمعیت بر حسب تدبیر خود تصمیمی می گیرد؛ اما مخالفت بعضی از پیروان آن را عقیم می کند چنان که در داستان قلم و دوات که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آخرین لحظات عمرش درخواست کرد آن را بیاورند و فرمانی بنویسد. مخالفت سبب شد که گروه دیگری نیز نغمه خلاف سر دهند و جلوی این کار گرفته و حتی به ساحت قدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اهانت زشتی شود. (پیام امام امیر المؤمنین (ع)، مکارم شیرازی، ج ۱۳، ص ۶۵۳).

در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می خوانیم: «ما اختلفت أمةٌ بعدَ نبيِّها إلا ظهرَ أهلُ باطلِها على أهلِ حقِّها؛ هیچ امتی بعد از پیامبر خود اختلاف نکردند مگر این که اهل باطل بر اهل حق در میان آنها پیروز شدند». (میزان الحکمة، ح ۱۸۹۸).

حدیث ۲۲.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: و إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ ، فليكن صَعْوَكَ لَهُمْ ، وَ مَيْلَكَ مَعَهُمْ . (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ اما ستون دین و انبوهی مسلمانان و ساز و برگ در برابر دشمنان، عامه مردم هستند، پس، باید توجه تو به آنان بیشتر و میل تو به ایشان افزونتر باشد.

اما ویژگی های توده های جامعه و به تعبیر امام (علیه السلام) عامه در سه چیز خلاصه شده است؛ می فرماید: «و (بدان) ستون دین و شکل دهنده جمعیت مسلمانان و نیروی دفاعی در برابر دشمنان، تنها توده ملت هستند، بنابراین گوش به سوی آنها فرا ده و توجه به آنها داشته باش.

تعبیرات زنده و پرمعنایی امام (علیه السلام) این است که به یقین اگر حمایت عامه مردم نباشد اصول و فروع دین به فراموشی سپرده می شود و جامعه مسلمانان از هم گسسته می گردد و در برابر هجوم دشمنان، مدافعی نخواهد بود. تعبیر به «جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ» اشاره به این است که توده های مردم رکن اصلی جامعه اسلامی اند و این همان چیزی است که در روایات دیگر به عنوان «سواد اعظم» از آن تعبیر شده است. به بیان دیگر اگر نفرت جامعه را از هم جدا حساب کنیم جامعه مفهوم نخواهد داشت؛ ولی اگر آنها را با پیوند با یکدیگر در نظر بگیریم - همانند ساختمانی که مصالح کوچک آن با سیمان محکمی به هم پیوسته است - جامعه مفهوم اصلی را پیدا می کند و این امر تنها به وسیله همین توده های جامعه حاصل می شود.

حدیث ۲۳.

امام علی علیه السلام می فرماید: « الْأَنْصَافُ يَرْفَعُ الْخِلَافَ وَيُوجِبُ الْإِئْتِلافَ؛ انصاف، اختلافات را از بین می برد و موجب الفت و همبستگی می شود (غررالحکم و دررالکلم ص ۳۹۴، ح ۹۱۱۶).

انصاف یکی از مهمترین فضائل اخلاقی است که در تعریف آن گفته اند: انصاف به معنای عدالت ورزی و اجرای قسط و اقرار به حقوق مردم و ادای آنهاست و اینکه هر خیری را برای خود می خواهیم، برای دیگران هم بخواهیم و هر زیان و ضرری که برای خود نمی پسندیم، برای دیگران هم نپسندیم». (انصاریان، حسین، زیبایی های اخلاق، ص ۳۸۲). در نتیجه انصاف از منظر اخلاقی به معنای مراعات برابری و مساوات در تمامی ابعاد اجتماعی می باشد.

در دنیای اسلام، تنها مسئله ای که بیش از هر چیز دیگر به چشم می خورد این است که چگونه ملتی که دارای مشترکات فراوانی چون پیامبر، قبله، کتاب و روزه و ... هستند در بدنه این جماعت شکاف و از هم گسستگی وجود داشته باشد؛ در حالی که در آموزه های قرآن کریم می بینیم که به همه ی مسلمانان دستور داده شده است که با کسانی که بر خلاف عقیده و کیش شما هستند به خوبی رفتار کنید.

در این برهه حساس تاریخ بشر، وظیفه همه ی مسلمانان، تمسک و پیروی از قرآن و عترت رسول خداست که بزرگترین منادیان دعوت به اتحاد و یکدلی همه ی مسلمانان جهان هستند؛ زیرا ما به فراوانی در منابع اسلامی می بینیم که تا چه اندازه برای رسول خدا (ص) موضوع وحدت بین مسلمین مهم بوده و آن حضرت به موازات گسترش توحید و یکتاپرستی در جامعه انسانی به توحید کلمه و وحدت امت اسلامی اهمیت زیادی می دادند و هیچ عاملی را، شکننده تر از ایجاد شکاف در پیکر امت اسلامی نمی دانستند همچنین باید گفت مهم ترین هدف اسلام، وحدت مسلمانان و دوری آنان از تفرقه و منازعات سیاسی - اجتماعی دین براندازانه بوده است. لذاست که در بیان زیبایی آمده است: انصاف، اختلافات را از بین می برد و موجب الفت و همبستگی می شود.

حدیث ۲۴.

امام علی علیه السلام در پاسخ چند سوالی که از جمله اتحاد و تفرقه است فرموده: «... وَاللّٰهُ مُجَامَعُهُ أَهْلُ الْحَقِّ وَ إِنْ قَالُوا وَ الْفُرْقَةُ مُجَامَعُهُ أَهْلُ الْبَاطِلِ وَ إِنْ كَثُرُوا؛ به خدا قسم، جماعت، همدست شدن با اهل حق است هر چند اندک باشند و تفرقه، همدستی با اهل باطل است هر چند بسیار باشند (کتاب سلیم بن قیس الهمدانی ج ۲، ص ۹۶۴).

در آموزه های دینی نمونه از بیان امام (ع) بوضوح آمده است که «یدالله مع جامعه» دست خدا با جماعت است. یعنی خدا نظر به جامعه دارد که هم دست و هم باشد. از این جهت است که در بیان امام علی (ع) اشاره به آن دارد که جماعت، یعنی همدست با اهل حق، و مخالف آن هم دست شدن بر خلاف حق و مسیر یگانگی است.

حدیث ۲۵.

امام علی علیه السلام می فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ التَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيْمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيْمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِنْ مَضَى وَ لَا مِنْ بَقِيَ؛ از چند رنگی و اختلاف در دین خدا بپرهیزید، زیرا یکپارچگی در آنچه حق است ولی شما آن را ناخوش می دارید، از

پراکندگی در آنچه باطل است اما خوشایند شما می باشد، بهتر است. خدای سبحان به هیچ یک از گذشتگان و باقی ماندگان بر اثر تفرقه و جدایی خیر و خوبی عطا نکرده است (نهج البلاغه، از خطبه ۱۷۶)

در این حدیث شریف یکی از هشدارهای مهم اجتماعی از زبان کسی بیان شده است که خود در کوران مبارزه و در بحران رویدادهای اجتماعی و کشمکش ها و نزاع ها قرار داشته است. امام (ع) مساله دو رنگی و دو رویی را اشاره کرده و فرموده، مبدا در دین خدا به رنگ های مختلف در آید؛ چرا که اتحاد و اجتماع در راه حق - هر چند خوشایند شما نباشد - از پراکندگی در راه باطلی که مورد علاقه شماست بهتر است.

تعبیر «فَإِيَّاكُمْ وَالتَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ» اشاره به این است که هر گروهی رنگی به خود بگیرد و برنامه اش را از دیگران جدا سازد، خواه در برنامه های عقیدتی باشد یا عملی، این تلون و رنگارنگ شدن، سبب پراکندگی صفوف و به هدر رفتن نیروها و گاه جنگ های داخلی می شود و سرنوشت جامعه و منافع آن را به خطر می اندازد.

این کلام تأکید بر آن است که افراد جامعه در مسائل ساده انعطاف به خرج دهند و در اموری که بر خلاف سلیقه آن هاست دندان بر جگر بگذارند و تحمل پیشه کنند به یقین وحدت حاکم می شود و آرامش و عظمت به جامعه باز می گردد. در حال که اختلاف و پراکندگی صفوف منشأ خیر و برکت نبوده و مشکلی را حل نکرده است. (پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۶، ص: ۶۰۱-۵۹۸).

حدیث ۲۶.

پیامدهای اختلاف و تفذقه

رسول اکرم صلی الله علیه و اله می فرمایند: «وَمَنْ عَمِلَ فِي فُرْقَةٍ بَيْنَ امْرَأَةٍ وَزَوْجِهَا كَانَ عَلَيْهِ غَضَبُ اللَّهِ وَ لَعْنَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضَخَهُ بِالْأَفْرِ صَخْرَةٍ مِنْ نَارٍ؛ هر کس بکوشد میان زن و مردی تفرقه

اندازد، خشم و لعنت خدا بر اوست و خداوند متعال در دنیا و آخرت وی را با هزار پاره سنگ آتشین سنگسار سازد.

اختلاف که در ذات خود امر نا پسند و مبعوض الهی است، آثار و پیامدهایی را به دنبال دارد. کانون خانواده که یک رکن بسیار اندک و کوچکی از جامعه می باشد، اختلاف انداختن در آن خشم و لعنت خداوند را در پی دارد. وای از پیامدهای که در امور جامعه و اجتماع تلاش کرده و در جهت وحدت و همدلی مردم و مسلمانان سنگ اندازی می کند.

قرآن تفرقه و اختلاف را در ردیف عذاب های آسمانی عنوان کرده و می فرماید: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضُكُم بَأْسَ بَعْضٍ»؛ بگو خداوند قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد، یا به صورت دسته های پراکنده شما را با هم بیامیزد، و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشانند» (۱).

قرآن به تفرقه افکنان هشدار داده و آنها را جدای از اسلام و دشمن مسلمانان معرفی کرده و با قاطعیت می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ؛ همانا کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به گروه های گوناگون تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه ای با آنها نداری، سر و کار آنها تنها با خدا است» (۲).

حدیث ۲۷.

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «النجوم امان لأهل السماء و اهل بیتی امان لأمتی من الاختلاف فاذا خالفتها قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب ابليس؛ ستارگان مأمن برای اهل آسمان اند و اهل بیتم نیز مأمن برای امتم از اختلاف؛ هرگاه با آنان گروهی از عرب مخالفت نمایند بینشان اختلاف افتاده و جزء حزب شیطان می شوند (مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴۹).

لذا به خوبی از این روایت استفاده می شود که محور وحدت و مآمن برای امت اسلامی پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت آن حضرت می باشند.

رسول خدا(ص) در این حدیث، به طور عام و بدون هیچ قید و شرطی، اهل بیت(ع) را ستارگان هدایت و مایه ایمنی امت از گمراهی و تفرقه و نابودی دانسته است. بنابراین، آثار وجودی اهل بیت برای امت، مانند آثار وجودی ستارگان برای ساکنان زمین است. لازمه این معنا، آن است که همان گونه که ستارگان تا جهان باقی است، باقی اند تا مایه امان ساکنان زمین از غرق شدن باشند، امت نیز تا باقی است، باید پیوسته فردی از اهل بیت(ع) در میان امت وجود داشته باشد که به او تمسک جویند و از وی پیروی کنند تا از افتادن در دام گمراهی و تفرقه، حفظ شوند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مناسبت های مختلف این مطلب را گوشزد کرده اند؛ از آن جمله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَضِيَ لَكُمْ ثَلَاثًا وَ كَرِهَ لَكُمْ ثَلَاثًا رَضِيَ لَكُمْ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ وَ لَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ أَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفْرَقُوا وَ أَنْ تَسْمَعُوا وَ تُطِيعُوا وَ أَنْ تَنْصَحُوا اللَّهَ مِنْ وَلِيِّ أَمْرِكُمْ خُذُوا لَهُ شِمَا سَهْ حَيْزٍ رَا پَسَنَدِيدَه وَ سَهْ حَيْزٍ رَا مَكْرُوه دَانَسْتَه اَسْت، بَرَاي شِمَا رَضَايَت دَادَه كَه پَرَسْتَش نَكْنِيْد مَكْر خُذَا رَا، هِيْچ حَيْزٍ رَا شَرِيْك اَوْ قَرَار نَدَهِيْد وَ اِيْنَكَه بَه رِيْسْمَان خُذَا چَنَك زَنِيْد وَ مَتَفَرَق نَشُوِيْد وَ اِيْنَكَه خِيْرخَوَاه كَسِيْ بَاشِيْد كَه خُذَاوَنْد اَوْ رَا بَر شِمَا وَاِلَايَت دَادَه اَسْت. (كنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۷ و ج ۱۵، ص ۸۲۸)

حدیث ۲۸.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «المؤمنون كَالنَفْسِ الْوَاحِدَةِ؛ مؤمنان همچون یک روحند» (تذکره الأولیاء / ۴۲۱).

حدیث ۲۹.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می فرماید:

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَى؛ مثل افراد باایمان در دوستی و نیکی به یکدیگر، همچون اعضای یک پیکر است که چون بعضی از آن رنجور شود و به درد آید، اعضای دیگر را قرار و آرامش نخواهد بود.» (بحارالانوار، ج ۷۱، صص ۲۳۴-۲۷۴).

مثل مؤمنین در دوستی و مهربانی و همدلی با یکدیگر، همانند پیکر واحد است، چنانچه یک عضو به رنج و درد آید، سایر اعضا به عنوان همدلی یکدیگر، همانند پیکر واحد است، چنانچه یک عضو به رنج و درد آید، سایر اعضا به عنوان همدلی و همدردی به بیداری می نشینند و حالت تب آنها را خواهد گرفت. اشاره به این نکته دارد که: اعضای جامعه به ایمان در ابراز مهر، دلسوزی و عواطف مانند یک تنند که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دگر عضوها را نماند قرار. در دیدگاه اسلام ارزشها و نقشها و خلاقیتهای اجتماعی از وجود افراد متجلی می گردد و به همین دلیل رشد آن از هدفهای اصیل و قابل توجه زندگی محسوب می شود، فلذا ست که پیامبر اکرم (ص) اعضای جامعه را به منزله یک پیکر فرض کرده که هرفردی از جامعه اگر مشکلی برایش بوجود بیاید، تمام جامعه باید در جهت رفع آن خود را مسؤول دانسته و در جهت رفع آن تلاش کند.

حدیث ۳۰.

حدیث ۳۱.

فَانْظُرُوا إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِي آخِرِ أُمُورِهِمْ حِينَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ، وَتَشَتَّتِ الْأُلُفَّةُ، وَاخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَالْأَفْنَدَةُ، وَتَشَعَّبُوا مُخْتَلِفِينَ، وَتَفَرَّقُوا مُتَحَارِبِينَ، قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ كَرَامَتِهِ، وَسَلَبَهُمْ غَضَارَةَ نِعْمَتِهِ، وَبَقِيَ قَصَصُ أَعْبَارِهِمْ فِيكُمْ عِبْرًا لِلْمُعْتَبِرِينَ مِنْكُمْ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)؛ س بنگرید به آخر کارشان «قوم بنی اسرائیل» آن هنگام که بین آنها تفرقه افتاد، و مهربانی و الفتها بهم خورد و سخنها و دلها مختلف و گروه گروه شدند و بجان هم افتادند و پراکنده گشتند و با هم جنگیدند، پس خداوند، لباس عزّت را از تن آنها بر کند و فراوانی نعمتش را از آنها گرفت و آنچه باقی مانده، سرگذشت آنان است تا مایه عبرت، عبرت گیرندگان باشد شود.

تحداد و پراکندگی، مهم ترین عامل پیروزی و شکست

امام (علیه السلام) پس از خطبه مفصل، سخنان پرمعنایی که درباره اقوام پیشین و سرنوشت عبرت انگیز آنها بیان فرمود، در این بخش از خطبه به نتیجه گیری پرداخته و روی عامل اصلی پیروزی و شکست که همان اتحاد صفوف و اختلاف است. انگشت می نهد و با تعبیرات گوناگونی «بنگرید (اقوام پیشین) در آن هنگام که جمعیت‌هایشان متحد، خواسته ها هماهنگ، اندیشه ها معتدل، دستها پشتیبان هم، شمشیرها یاری کننده یکدیگر، دیده ها نافذ و تصمیمها یکی بود، چگونه بودند؟ آیا (در آن روز) آنها زمامدار اقطار زمین نبودند؟ و بر مردم جهان حکومت نمی کردند؟ .

آن حضرت در این عبارات زیبا و پرمعنا اتحاد و اتفاق را در همه مظاهرش بیان کرده، آن را عامل سربلندی و حاکمیت و قدرت عظیم شمرده است. چون افراد هر کدام به تنهایی قدرت زیادی ندارند و همچون قطره ای هستند که اگر در بیابانی قرار گیرند با یک تابش آفتاب و وزش باد بخار می شوند؛ ولی همین قطرها هنگامی

که به هم پیوستند دریای خروشان را تشکیل می دهند که می تواند منبع هر گونه خیر و برکت باشد. تار عنکبوت به تنهایی به قدری ضعیف و کم دوام است که در برابر یک نسیم مقاومت نمی کند؛ اما آنها را به هم می تابند و جلیقه های ضد گلوله درست می کنند که مقاومتش از هر چیز بیشتر است و این است نقش اتحاد و اتفاق.

صد هزاران خیط یکتا را نباشد قوتی *** چون به هم برتافتی اسفندیارش نگسلد!

در ادامه این سخن امام (علیه السلام) عامل اصلی شکست را یادآور می شود که همان اختلاف نظر و تشتت صفوف است و در ضمن به جمله ای اشاره کرده، می فرماید: «حال بنگرید که پایان کارشان به کجا کشید. در آن هنگام که در میان آنها جدایی افتاد؛ الفتشان به پراکندگی گرایید و اهداف و دلهایشان از هم دور شد و به گروه های مختلفی تقسیم شدند و در پراکندگی به نبرد با هم پرداختند (آری در این هنگام بود که) خدا لباس کرامت خود را از تنشان بیرون کرد و وسعت و شادابی نعمت را از آنها برگرفت، تنها چیزی که از آنها باقی ماند سرگذشتشان در میان شما بود که درس عبرتی است برای عبرت گیرندگان.

آری! هنگامی که نیروهای یک ملت در مسیر اختلاف گام بر دارند، الفت و محبت به پراکندگی و عداوت تبدیل شود و آتش اختلاف کلمه و تفرق افکار از میان آنها زبانه کشد. به جای اینکه با دشمنی که قصد نابودی آنها را دارد بجنگند، به جنگ با خود می پردازند و نیروهایشان در این راه به هدر می رود. خداوند نیز دست مرحمتش را از سر آنها بر می دارد و لباس ذلت بر اندامشان می پوشاند.

حدیث ۳۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَالْفَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَ لَا يُؤْلَفُ؛ بهترین مؤمنان، کسی است که محور الفت مؤمنان باشد، کسی که انس نگیرد و با دیگران مانوس نشود خیری ندارد. (صحیح مسلم، جلد ۴، ص: ۱۰۶).

شکی نیست که محبت و دوستی یکی از عوامل و رموز اتحاد و انسجام دل هاست. جامعه ای که مهر و مودت و دوستی در آن حاکم باشد، از هر نوع اختلاف و فساد باز می ماند. محبت نه فقط فرد را به تعالی می رساند بلکه ضامن سلامتی و پیشرفت جامعه و ملت نیز می باشد. پیامبر(ص) نه تنها از مؤمنین و مسلمانان خواستار محبت و دوستی با یک دیگر است، بلکه تأکید دارد که محور محبت و الفت دیگران قرار بگیرید تا هر یک از شما بتواند هم بستگی نسبت به یک دیگر را حفظ نماید.

حدیث ۳۳.

امداد الهی در سایه اتحاد اسلامی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَجْمَعَ هَذِهِ الْأُمَّةَ عَلَى الضَّلَالَةِ أَبَدًا، وَ يَدُّ اللَّهُ عَلَى الْجَمَاعَةِ... فَعَلَيْكُمْ بِسَوَادِ الْأَعْظَمِ، فَإِنَّهُ مِنْ شَدِّ شَدِّ فِي النَّارِ؛ خَدَّوْنِدْ هِيَجْ گاه اجتماع این امت را بر گمراهی و ضلالت قرار نداده است که دست خدا با جماعت است... پس به جمعیت عظیم مسلمانان پیوندید؛ همانا انسان تنها، بهره اش آتش است. (السنه لابن ابی عاصم، ج ۱، ح ۶۸، ص ۹۰).

تأکید بر چنگ زدن به اجتماع مسلمین و امداد الهی برای جماعت مسلمین، نشان از اهمیت اتحاد اسلامی و انسجام مسلمانان دارد.

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «باید همه دست به هم بدهند» هر کسی به مقداری که قدرت دارد، خیال نکند یک نفر است - وقتی پهلویش نفرها واقع شد هم چون قطره های متصل سیل می شود و چون سیل ها با هم متحد شدند دریا درست می شود. جماعت وقتی که باهم شد پشتیبانشان خدای تبارک و تعالی است: «يَدُّ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ». (چهل حدیث، ص ۱۲۵ و ۱۲۶).

اقبال لاهوری می گوید:

حرز جان کن گفته خیر البشر

هست شیطان از جماعت دورتر

فرد را ربط جماعت رحمت است

جوهر او را کمال از ملت است

تا توانی با جماعت یار باش

رونق هنگامه احرار باش

حدیث ۳۴.

نماد اتحاد مسلمین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةٍ: عَلَى أَنْ يُوحَّدَ اللَّهُ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَ صِيَامِ رَمَضَانَ وَ الْحَجِّ» (صحیح مسلم؛ ج ۱، ص ۴۵)، اسلام بر پنج پایه نهاده شده است: توحید و یکی دانستن خدا، برپاداشتن نماز، پرداختن زکات، روزه ماه مبارک رمضان و حج بیت الحرام.

در این حدیث مبارک به نمادهای اساسی و بنیادی اتحاد و انسجام اسلامی اشاره شده است: توحید، نماز، زکات، روزه، حج، همه اینها سمبل و نماد وحدتند. اعتقاد موحدانه، برپایی نماز (بالأخص نماز با جماعت)، پرداخت زکات برای برطرف ساختن نیازهای مسلمانان، روزه گرفتن در یک ماه و در همه جای جهان، اجتماع عظیم الشأن حج در زمان و مکان معین، ارادت مسلمانان به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، همه در راستای اتحاد مسلمانان است. امام خمینی رحمه الله می فرماید: «وحدت کلمه، در زیر لوای توحید قابل جمع است.

شهید مطهری رحمه الله درباره این نماد وحدت می فرماید: «حج، رمز ریختن و شکستن تعین ها و غلاف ها و حصارهای خیالی و اعتباری است. همه دور یک خانه طواف کردن، رمز هدف واحد، فکر واحد و ایده واحد است. (مجموعه آثار؛ ج ۲۵، ص ۳۰۷).

اقبال لاهوری:

قوم را ربط و نظام از مرکزی

روزگارش را دوام از مرکزی

حدیث ۳۵.

زمینه های اختلاف و تفرقه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: « وَلَا تَحَاسَدُوا وَ لَا تَنَاجَشُوا وَ لَا تَبَاغَضُوا وَ لَا تَدَابَرُوا وَ لَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ وَ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَخْذُلُهُ وَ لَا يَحْقِرُهُ... » (کنز العمال، حدیث ۸۹۵)؛ حسودی مکنید و در معامله هم دیگر پا مگذارید و دشمنی مکنید و به هم پشت مکنید و در معاملات با هم دیگر خصومت مکنید. ای بندگان خدا! با هم برادر باشید. مسلمان برادر مسلمان است به او ظلم نمی کند و او را تنها و بی یاور نمی گذارد؛ یعنی اگر احتیاج به کمک داشته باشد به او کمک می کند و او را تحقیر نمی کند.

حسد، کینه، تجسس، دخالت بی جا و... عواملی هستند که آتش تفرقه را شعله ور می کند، لذا پیامبر اکرم (ص) تأکید دارد که باید از این مسائل پرهیز نمود.

تأکید آموزه های دینی بر این است، مردمی که در بین خود دچار حسد باشند، دچار بدخواهی یک دیگر باشند، دچار حيله گری با یک دیگر باشند، دچار حرص به دنیا و غل نسبت به مال دنیا باشند و دچار کینه ورزی با یک دیگر باشند، در این جامعه حتی اگر قانون هم به طور دقیق عملی شود، سعادت در این جامعه نیست... این جامعه بشری، جامعه مطلوب نخواهد بود. فذا، هر مسلمانی باید از اموری که موجب تفرقه و کم مهری در جامعه می گردد، خود داری کند.

حدیث ۳۶.

بهترین مسلمان، اتحادآور

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: « الْمُسْلِمُ إِذَا كَانَ مَخَالِطًا النَّاسَ وَ يَصْبِرُ عَلَى أَذَاهُمْ خَيْرٌ مِنَ الْمُسْلِمِ الَّذِي لَا يُخَالِطُ النَّاسَ وَ لَا يَصْبِرُ عَلَى أَذَاهُمْ؛ مسلمانی که با مردم بیامیزد و بر آزارشان شکیبایی کند، بهتر است از مسلمانی که با مردم نیامیزد و بر آزارشان شکیبایی نکند. (کنز العمال، ج ۱، ص ۶۸۶).

این حدیث بر اختلاط و اجتماع مسلمانان تأکید فراوان دارد، به گونه ای که حتی باعث اذیت و آزار برخی افراد نباید صحنه اجتماع مسلمین را ترک کرد بلکه باید با جماعت مسلمین متحد شد. البته این بدان معنا نیست که در رذایل اخلاقی و ناهنجاری های اجتماعی با آنها شریک باشیم، بلکه مراد از اجتماع و جماعت مسلمانان همان طور که در برخی از کتب های فریقین آمده است جماعت اهل حق است.

حدیث ۳۷.

راهکارهای اتحاد اسلامی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: « ثَلَاثٌ لَا يَغْلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَ النَّصِيحَةُ لِأَيِّمِهِ الْمُسْلِمِينَ، وَ اللَّزُومُ لَجَمَاعَتِهِمْ؛ سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی به آن خیانت نکند: خالص نمودن عمل برای خدا خیرخواهی پیشوایان مسلمین، همراه بودن با جماعت مسلمین. (الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳).

در این حدیث به راه کارهای اساسی اتحاد اسلامی اشاره شده است؛ خلوص عمل، که جوهر عبادت و کارهای مسلمانان باید باشد؛ و خیرخواهی پیشوایان، که محور اتحاد هستند و اتحاد جز در سایه اطاعت و فرمانبری از آنها میسر نیست و سوم، همراه بودن با جماعت مسلمانان، که به معنای جدا نشدن و اختلاف و پراکندگی ایجاد نکردن در بین مسلمانان می باشد.

حدیث ۳۸.

تفرقه باعث دین زدایی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: « أَلَا إِنَّ فِي التَّبَاغُضِ الْحَالِقَةَ لَا أَعْنِي حَالِقَةَ الشَّعْرِ وَ لَكِنْ حَالِقَةَ الدِّينِ ؛ آگاه باشید که در دشمنی ها، ستردن و تراشیدن نهفته است، اما نه تراشیدن مو، بلکه ستردن دین. (الکافی، ج ۲، ص ۳۶۴).

دشمنی با یک دیگر باعث تضعیف نیرو و قدرت مسلمان می شود؛ در نتیجه، دین و عظمت آن که جز در سایه اتحاد و هم بستگی مسلمان بقا و دوام نمی یابد، از بین خواهد رفت. باید از کینه و دشمنی به طور جدی پرهیز کنیم تا بتوانیم عظمت و قدرت اسلام و مسلمانان را در سطح وسیعی حفظ نماییم. در غیر این صورت سرنوشت اسلام و مسلمانان مانند عصر کنونی خواهد بود که مشاهده می کنیم در حال حاضر کینه توزی ها و دشمنی های بی مورد و غیرمعقول، بسیاری از ملت ها و کشورهای اسلامی، عظمت و قدرت خویش را از دست داده اند و اجانب بر آنان مسلط شده اند.

اتحاد و همدلی در اندیشه و ادبیات صائب تبریزی

اتحاد و همدلی به معنای بشردوستی و گسترش پیوندهای عمیق انسانی، از جمله مباحثی است که گستره زبان و ادب فارسی را به خود اختصاص داده و در اشعار بسیاری از شعرای نامدار، در نهایت انسجام و شیوایی، بیان گردیده است. صائب از جمله شاعرانی است که با توجه به اهمیت انسان، ارزش و کرامت او، به بررسی یکی از بزرگترین نیازهای وی، یعنی اتحاد و همبستگی می پردازد و به این امر واقف می کند که آرامش حقیقی از آن کسی است که نوای احسان و یاری به همنوع را سر دهد و به مهر و دوستی بیندیشد. شاعر برای دست یابی به این هدف، همگان را به پاسداشت ارزش ها و رفتارهای اخلاقی همچون: عشق و نوع دوستی، صبر و بردباری، گرایش به فطرت انسانی، تعقل و دوراندیشی، خوش خلقی، همدلی و همزبانی، احسان و بخشندگی، خدمت به همنوع و گفتگوی منطقی و پرهیز از صفات ناپسند انسانی چون: حرص و خودخواهی، کبر و نخوت، ستم و بی عدالتی، تنگ خلقی، عیب جویی، تجمل گرایی و سخنان زشت و ناروا فرا می خواند. وی به همه ادیان و مذاهب با دیده احترام می نگرد و آنان را به تساهل و پرهیز از هرگونه خودخواهی، ظاهربینی، دویینی و کج اندیشی دعوت می کند و آن را عاملی برای اتحاد و همبستگی جهانی بر می شمارد، چراکه احترام به ادیان و مذاهب، از یک سو، به بسیاری از کشتارها و جنگ های دینی و مذهبی پایان می دهد و از سوی دیگر، زمینه ساز دوستی و همیاری در پیشبرد هدف های انسان دوستانه خواهد بود.

اقبال لاهوری می فرماید:

جواهر ما با مقامی بسته نیست

باده تندش به جامی بسته نیست

رومی و شامی گل اندام ماست

هندی و چینی و سفال جام ماست

قلب ما از هند و روم شام نیست

مرز و بوم او به جز اسلام نیست.

حدیث ۴۰.

نکته های شاعرانه و ادیبانه در مورد اتحاد و همبستگی

پروانه محو کرد در آتش وجود خویش یعنی که اتحاد بود انتهای عشق

اینرا کشد به وادی و آنرا برد به کوه زینها بسی ست تا چه بود اقتضای عشق

یک گل میتواند؛ آغاز بهار باشد؛ چنانچه که یک قطره آغاز دریا؛ چنانچه که؛ یک درخت آغاز جنگل؛ و چنانچه که یک لبخند؛ آغاز دوستی، محبت و هم دلی ست.

هرگز نگوییم؛ بایک گل بهار نمیشود، دست ات را به من بده؛ زیرا که؛ دست تو؛ آغاز اتحاد است.

یکی از ملزومات اصلی ایجاد و تداوم صلح پایدار در جوامع بشری، التزام انسانها و حکومتها به رعایت حقوق، حرمت، کرامت و جهان بینی های متفاوت است.

اندیشه وران بزرگ فرهنگ و اندیشه همواره در طول تاریخ نوع بشر را به تفاهم، تساهل و تسامح فرا خوانده و بر جنگ های آدمیان که اغلب از تعصبات، کج فهمی ها و تحمل نکردن ها ناشی شده است، افسوس خورده اند. نظرگاه این چینی به جنگ در میان انسان ها، از دیرباز در ادبیات فارسی متجلی شده است و متفکران بزرگ اسلامی نظیر سعدی، حافظ، مولوی، عطار، صائب تبریزی و ... در آثار خود، مکرراً از لزوم پابندی به وسعت مشرب و رعایت مفهوم صلح و مدارا در سیره عملی زندگی و منش خود سخن گفته اند، علاوه بر آن، به گونه ای تلویحی و ضمنی به تبلیغ اندیشه اتحاد میان ادیان و مذاهب و اقوام با عنوان راهکاری مفید و کارآمد برای رسیدن به اهداف عالی چون آرامش، فضیلت درک حقیقت و تحقق جوامع آرمانی پرداخته اند .

آنان، جنگ میان آدمیان را زائیده ادراکات و تصورات نادرست از مرام همدیگر و از چپستی حقیقت می‌دانند و معتقدند که این جنگ‌ها اغلب از نادانی و خامی اندیشه‌ها و تعصبات غافلانه نشئت می‌گیرد.

جنگ خلقان همچو جنگ کودکان جمله بی معنی و بی مغز و نهان

جمله با شمشیر چوبین جنگشان جمله در لاینفعی آهنگشان (مولوی، دفتر اول؛ ۱۵۳).

این متفکران و مصلحان، برای نشان دادن بی پایه و اساس بودن منازعات و اختلافات فکری و قومی انسان‌ها، حکایات و تمثیلات متعدد و متنوعی را در اشعار خود مطرح کرده‌اند تا نشان دهند که اغلب آن چه انسان‌ها با نگرش‌های هستی‌شناسانه مختلف و با انگاره‌های فلسفی گوناگون ذیل عنوان حقیقت از آن سخن می‌گویند، حقیقت در اصل جوهر یگانه‌ای است که در زیر لایه‌های نامرئی از اسرار و نیز حجاب‌های غیبی نهفته است و این همه غوغای جهانیان همه بر سر حقیقتی واحد است:

فروغی در جهان افکند و برخاست به غوغای جهانی از میانه

به صبح و شام از او رقصان شعاعی است که گویی سنبل افشاند به شانه

به جز عشقی متاع و مشتری نیست بهشت و دوزخش بیع و بهانه (شهریار، ۵۳۷).

شاعران بزرگ ما، برای تبیین نادرستی این مخالفت‌ها و مناقشات، آدمی را به اندیشیدن در باب حقیقت ادیان و مذاهب فرا می‌خوانند و با بیان این مسئله که پیامبران با وجود راه‌های مختلف و متنوعی که برای رستگاری انسان و بهینه شدن زندگی پیشنهاد کرده‌اند، هرگز اختلافی در میانشان نبوده است و همواره مصلحانه و محبانه و محترمانه از انبیاء پیش و پس از خود سخن گفته‌اند و با اتصال به چشمه خورشید حقیقت، اقوام مختلف را به حق و راستی فرا خوانده‌اند، از آدمی متردد و متعصب می‌خواهند با یقین قلبی به این نور راستین در زندگی گام بردارد با «مؤمنان معدود» (متعدد) راه‌های دیگر طریق صلح پیش گیرد:

هر لبی و هر ولی را مسلکی است لیک تا حق می‌برد جمله یکی است

(مولوی ۱۳۷۸ دفتر اول ۱۴۲) (اقتباس از نکات ادیبانه یک دبیر دبیرستان).

